

کتابخانه در بین‌النهرین باستان

(سومریان، بابلیان و آشوریان)

مرتضی محمدنیا

مقدمه

و سپس به مصر سفلی و دلتای رود نیل منتهی می‌شود. بین‌النهرین و هلال حاصل‌خیز، مکانی مناسب برای تمدن‌های باستان بود که با شکل‌گیری آنها، اولین کتابخانه‌های جهان نیز به وجود آمد. در اینجا نگاهی اجمالی به کتابخانه‌های بین‌النهرین باستان (سومریان، بابلیان و آشوریان)، چگونگی شکل‌گیری، توسعه و انحلال این مراکز داریم. (مزینانی، ۱۳۷۹، ص ۹۲).

کتابخانه‌های بین‌النهرین باستان

کتابخانه چیست؟ سواد طی دو هزاره اول تاریخ نگارش در بین‌النهرین، از طریق کارگاه‌های کتابت و آنچه که می‌توان آن را مکتب‌تعلیم کتابت نامید- گاهی صرفاً خانه‌های خصوصی کاتبان؛ جایی که استادان با گروهی از شاگردان مبتدی تا ارشدها احاطه شده بودند- منتقل می‌شد. وظیفه ارشدها مساعدت (اغلب نظم‌بخشیدن) به محصلان جوان تر بود. با این حال، کتابخانه‌ها مجموعه‌های مرجع بزرگ برای نسخه‌های آثار علمی و ادبی کلاسیک به عنوان یک نهاد، وجه مشخصه تمدن بابل و آشور در اواخر هزاره دوم و اول قبل از میلاد یعنی اواخر عصر برنز (۱۵۰۰م-۱۰۰۰ق.م) و عصر آهن (۱۰۰۰ق.م به بعد) بودند. یعنی زمانی که معابد، کاخ‌ها و برخی افراد، مالک مجموعه‌های متون علمی، دینی و ادبی کلاسیک بودند. اغلب به نظر می‌رسد که کتابخانه‌ها تشکیل‌دهنده بخشی از معابد و کاخ‌ها بودند. ظاهراً کتابخانه در هر دو مورد کارکنان بسیار متبحر داشته است که گاه خود آنها به امور ویرایش، طبقه‌بندی و در صورت لزوم به بازسازی آثاری می‌پرداختند که معیار ادبی بودند (بلک، ۱۳۸۴، ص ۴-۶).

برای بررسی تاریخی کتابخانه باید نقطه آغازی در نظر بگیریم. همان‌گونه که می‌دانیم اختراع خط، نقطه شروع مورد نیاز است، یعنی مرز بین تاریخ و ماقبل تاریخ. تا قبل از اختراع خط انسان قادر نبود دانش و تجربیات خود را به صورتی پایدار و بادوام ثبت و ضبط کند. با مکتوب شدن دانسته‌ها و گنجینه‌های ذهنی به تدریج تعداد این منابع افزایش یافت و بشر به مکانی برای حفاظت و نگهداری این منابع نیاز پیدا کرد. پایه‌های اولیه کتابخانه‌ها در این شرایط پی‌ریزی شد و طی تکامل تاریخی خود و پس از فراز و نشیب‌های فراوان راه خود را در تمدن بشری هموار کرد و به عنوان یکی از سنگ‌بناهای تاریخ تمدن، حیات پربار خود را ادامه داد.

در هزاره سوم تمدن دیگری در خاورمیانه یعنی تمدن بین‌النهرین به وجود آمد. اولین تمدن‌های انسان در دره‌های حاصل‌خیز بین‌النهرین یعنی جلگه‌های حدفاصل دو رودخانه دجله و فرات شکل گرفت که به آن سرزمین «رافدین» نیز می‌گویند. این جلگه‌های حاصل‌خیز که در عراق کنونی قرار دارد، به دلیل آب و هوای مناسب و سرزمین‌های حاصل‌خیز، محل مناسبی برای اسکان اقوام چادرنشین بود. این اقوام به تدریج نهادهای دولتی، اقتصادی و اجتماعی شکل دادند و تجارت و صنعت توسعه یافت. این جلگه‌های حاصل‌خیز، خود بخشی از دشت وسیعی بودند که به آن هلال حاصل‌خیز یا هلال سبز و یا «هلال خطیب» می‌گویند. این هلال از یک طرف به خلیج فارس و از طرفی دیگر به کوه‌ها و دره‌های شمال عراق، ترکیه و سوریه و از طرفی دیگر در امتداد دجله به نزدیکی نینوا و از آنجا به دشت سینا

سابقه دسترسی به کتابخانه‌ها

ظاهراً نخستین سابقه اندیشه‌های دسترسی آزاد به کتابخانه‌ها به قرن هفتم پیش از میلاد مسیح و به کتابخانه‌های الواح گلی آشور برمی‌گردد. بنا به روایت ژول اوپرت^۱، آشورشناس قرن گذشته، مجموعه عظیم گلی آشوربانی پال به منظور آموزش فراهم آمده بود و در وسط قصر او برای استفاده آزاد همگان قرار داشت. ادوارز، برای این مجموعه نام تقریباً خیالی «کتابخانه عمومی گلین»^۲ را به کار برده است.

رده بندی و فهرست نویسی

در کتابخانه‌های بابل و آشور، الواح گلین بر طبق محل قرار گرفتن آنها در مجموعه‌های گوناگون شماره گذاری می‌شدند. به منظور مشخص کردن محل هر لوح، هر مجموعه با کلمات یا جمله اول نخستین لوحه نامیده می‌شد و الواح بعدی شماره مربوط به خود را داشت: مانند «شانزدهمین لوحه از ارواح خبیثه» و برای حصول اطمینان از ترتیب صحیح مطالب، خطی در پایان نوشته هر لوحه می‌کشیدند و پس از آن نخستین سطر لوحه بعدی نوشته می‌شد. برای دسترسی آسان به ده‌ها هزار لوحه گلین، آنها را با نظم خاص در قفسه‌ها قرار می‌دادند، و برایشان سیاهه عناوین یا فهرست‌های مختلفی تهیه می‌کردند. بیشتر الواح یک انجامة داشت که محل لوحه در مجموعه نام کاتب و غالباً تاریخ کتابت را مشخص می‌کرد.

نقش کتابدار

در مورد نقش کتابدار در کتابخانه‌های بین‌النهرین باستان، باید به گفته جیمز وستفان تامپسون درباره کتابخانه‌های الواح گلین بابل و آشور استناد کرد که حتی هزار سال قبل از کتابخانه نینوا وجود داشتند. که می‌گوید: کتابداران آنها عنوان «استاد الواح مکتوب» را داشتند و از میان آنان، نخستین کتابدار شناخته شده، شخصی بود به نام آمیل آنو^۳، اهل بابل که در دوره پادشاهی اموک سین می‌زیست. جانسون توضیح می‌دهد که این کتابداران لزوماً افرادی کارآموده بودند. آنها باید مدارس ویژه فنون کتابت را بگذارند و در زمینه نوشته‌ها یا نوع موادی که قرار بود، به وسیله آنها نگهداری شود، تعلیم دقیق ببینند. سپس چند سالی دوره کارآموزی را می‌گذرانند و طی آن در «پیشه کتابداری» متبحر می‌شدند. همزمان با آن، چندین زبان را می‌آموختند. اصلی که بر دانشمند بودن کتابدار تأکید می‌کند، در بابل و بین‌النهرین به این صورت جلوه می‌کرد که باید چند زبان بدانند و در یکی از علوم رایج و یا یکی از انواع مواد متخصص باشد. اصل

دیگر اینکه، کتابدار به تعلیم و یا کارآموزی احتیاج دارد. در اینجا نیز پیوند کتابدار-کاهن مطرح است، اما از آنجا که شق دیگر این پیوند، رابطه میان کتابدار-مقامات بلندپایه دولتی است، باید نتیجه گرفت که در واقع، پیوندی میان کتابداری و قدرت وجود دارد؛ خواه این قدرت مذهبی باشد؛ خواه غیر مذهبی کتابخانه مرکز قدرت است، زیرا دانایی، توانایی است و همواره چنین است (تامپسون، ۱۳۷۳، ص ۵۵، ۹۶، ۱۱۰، ۹۷).

خط و مواد نوشتنی اقوام بین‌النهرین باستان

خط بین‌النهرین به خط میخی معروف بوده است، چون علائم آن به میخ شباهت دارد (بلویس، ۱۳۷۹، ص ۳۴).

گل نوشته؛ ماده نوشتاری

سومریان و سایر ملت‌های خاورمیانه، غالباً از گل به عنوان ماده‌ای برای نگارش بهره می‌گرفتند. در حقیقت، تا آنجا که فرهنگ‌های ملل خاورمیانه را می‌شناسیم، این انتخاب به مقاومت گل در برابر تأثیرات آب و هوایی و مشخصاً سختی آن باز می‌گردد. این ملت‌ها ماده خام را برای ساختن گل از سواحل دجله و فرات می‌گرفتند و شیوه ساختن آن به غایت آسان بود. در آغاز، گل در ظرفی از آب قرار می‌گرفت تا تصفیه شود؛ بدین معنا که ریگ‌ها و مواد سنگین دیگر رسوب کند و آنچه در سطح باقی می‌ماند، به دور افکنده می‌شد. گرفتن گل پس از جداسازی رسوبات، آسان می‌شد و بدین ترتیب گل پاکی که برای صنعت نگارش به کار گرفته می‌شد، به دست می‌آمد. این امکان نیز وجود داشت که گل پاک و آماده استفاده، از سواحل دجله و فرات به دست آید، زیرا در آنجا طبیعت به جای انسان گل را تصویه می‌کرد. حجم این گل نوشته‌ها متفاوت بود و از نظر ارتفاع به ۵، ۶ سانتیمتر تا ۲۰، ۳۰ سانتیمتر می‌رسید. نویسندگان، نشانه‌ها را بر گل پاک می‌نهادند و سپس این لوحه‌ها در برابر پرتو خورشید قرار می‌گرفت تا خشک شود. اما گل نوشته‌هایی که حاوی پیمان‌های بازرگانی مهم و مدارک حکومتی و آثار ادبی و لغت‌نامه‌ها یا متون قابل استفاده برای عموم بود، به وسیله آتش پخته می‌شد تا از شکل نیفتد.

گل نوشته‌ها پس از پخته شدن در محفظه‌های گلین یا در قفسه قرار می‌گرفتند. گل نوشته پخته نشده پس از تماس با رطوبت-که بسیار هم اتفاق می‌افتاد- با گذشت زمان رطوبت

1. Jules Oppert
2. Public Library in Cly
3. Amil-Anu

بسیاری را به خود جذب می‌کرد و بار دیگر به گل تازه تبدیل می‌شد (استیپ‌چویچ ۱۳۷۳، ص ۴۴).

سومریان

داستان کتاب از دشت‌های سرسبز بخش جنوبی سرزمین رافدین، یعنی از جایی آغاز می‌شود که سومریان به عنوان یکی از شگفت‌آورترین ملت‌های تاریخ تمدنی پیشرفته را در آنجا بنیاد نهادند. در مورد نژاد و پیشینه تاریخی سومریان باید گفت: نظریات بسیاری در مورد آنان آمده است. لوکاس در کتاب خویش، تاریخ تمدن آورده است که شاید سومریان حدود ۴۰۰۰ ق. م از سرزمین ایران یا از آن سوی خلیج فارس به دشت‌های آبرفتی یا حاصل‌خیز سومر آمده‌اند. سومریان در این سرزمین با مردم کشاورز روبه‌رو شدند که برای حفظ روستاهایشان از آسیب سیل و طغیان از مدت‌ها پیش آبراه و آب‌بند ساخته بودند (لوکاس، ۱۳۶۶، ص ۸۱).

گروهی دیگر چنین می‌پندارند که سومریان در نیمه دوم هزاره پنجم پیش از میلاد و حتی نزد برخی پژوهشگران، پیش از این تاریخ، از شمال و شاید منطقه دریای خزر آمده و بخش جنوبی دشت‌های سرسبز میان دجله و فرات را به عنوان سرزمین خود برگزیده‌اند. این گروه چند قرن پس از سکونتشان تمدنی درخشان را بنیان نهادند و تمامی تمدن‌های بزرگ خاورمیانه از همین تمدن مایه گرفتند. بلویس در جای دیگر این چنین بیان می‌کند: «دقیقاً نمی‌دانیم سومری‌ها چه موقع به بین‌النهرین آمدند و آیا آنها بودند که افتخار ابداع خط و احداث نخستین شهرها در جنوب بین‌النهرین را داشته‌اند یا خیر؟ آنچه می‌دانیم این است که این مردم به گسترش آن شهرها پرداختند. و به توسعه بهره‌برداری از هنر نوشتن برای حفظ گزارش‌ها و حساب‌ها در معابد و کاخ‌های خود برای ایجاد متون دینی و ادبی اقدام کردند. مجسمه‌سازی، معماری، اعتقادات مذهبی، سبک‌های ادبی و دیدگاه‌هایی در مورد سلطنت، قانون و جامعه، جملگی به وسیله سومری‌ها ابداع شدند و تکوین یافتند. سومریان همچنین زمینه را برای انواع علوم از جمله حساب، ستاره‌شناسی، گیاه‌شناسی و طب مهیا کردند (بلویس، ۱۳۷۹، ص ۴۳).

دین سومریان

در مورد دین سومریان باید گفت که هر کشور، شهر خدایانی مخصوص به خود داشت و خدایان سومری پرشمار بود. دین کهن به ویژه بر رابطه مستقیم انسان با خدایان تأکید می‌ورزید و دین سومری از این قاعده برکنار نبود (لوکاس، ۱۳۶۶، ص ۸۱).

کتابخانه‌های سومریان

سومریان بعد از آنکه در پایان هزاره سوم پیش از میلاد استقلال سیاسی خویش را از دست دادند و از صحنه تاریخ کنار رفتند، نامشان در طاق‌نسیان نهاده شد و تا قرن نوزدهم نشانی از آنها نبود تا آنکه حفاری‌های باستان‌شناسی از وجود شهرهای سومری، کانال‌های آبیاری، مجسمه‌های بزرگ و هزار قطعه گل‌نوشته پرده برداشت که بر آن نوشته‌های سومری یا تصویرنگاری نقش بسته بود.

از خرابه‌های شهرهای باستانی سومریان چنین برمی‌آید که سومریان در حدود ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد کتابخانه‌های شخصی، مذهبی و دولتی برپا کرده بودند. مشهور است که کتابخانه تلو^۴ مجموعه‌ای متجاوز از ۳۰/۰۰۰ لوحه گلین داشته است. تمدن سومریان از ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد پا گرفت و شکوفا شد. به این ترتیب مورخان سومری، ثبت تاریخ جاری و بازسازی داستان گذشته‌شان را آغاز کردند. کهن‌ترین نظام نگارش شناخته شده «خط میخی» است و اعتبار سومری‌ها به ابداع این خط و خدمت بزرگ آنها به بشر است. برای نوشتن از قلم فلزی و (به شکل میخی) استفاده می‌کردند و بر موادی چون گل نرم، یا چوب می‌نوشتند: «سومریان، کهن‌ترین ادبیات شناخته شده انسان را تدوین کردند» (موکهرجی، ۱۳۶۸، ص ۸۱-۸۲). درباره کتابت ما هنوز علی‌رغم شیوع بیشتر گمانه، دقیقاً نمی‌دانیم که آیا این سومریان بودند که برای نخستین بار کتابت را برای بیان اندیشه به کار گرفته‌اند یا نه؟ این احتمال نیز وجود دارد که سومریان نخستین کسانی نبودند که به تحول در کتابت به عنوان وسیله‌ای جدید برای برقراری ارتباط دست یافتند، بلکه آن‌را از ملت ناشناخته دیگری که پیش از ایشان در بخش جنوبی سرزمین رافدین می‌زیستند، آموختند. صدها نوشته گلی که بر آن تصویرنگاری نقش بسته و قدیمی‌ترین نوشته‌هایی هستند که سومریان آن‌را در شهر اورک تحول بخشیدند و تاریخ آن به نیمه هزاره چهارم پیش از میلادی می‌رسد که دیگر شباهت زیادی به اصول نخستین نداشتند که از آنها تحول یافته بودند. به نگارش میخی معروف شد.

سومری‌ها در مدارس خود از طریق به یاد سپردن و حفظ کردن انواع متون به یادگیری خط پیچیده خود می‌پرداختند. فهرست‌های اصطلاحات فنی در زمینه‌های بسیار مختلف حفظ شده است. فهرست‌های حرفه‌های گوناگون آن روزگار گزارش کاملی از وجود بینش نسبت به ایجاد تخصص و بهبود

4. Tello

بیش تر ناشی از «قانون» اوست. این قانون منبع معتبر اطلاعاتی درباره ساختار اجتماعی این دوره به شمار می رود. این قانون یکی از آثار معیار برای تحصیل در مدارس بابل به شمار می رفت و از این رونفوذ ژرف و دیرپایی داشت (بلویس، ۱۳۷۹، ص ۵۱). آنچه که به نام فرهنگ بابل معروف شده است، تغییرات سیاسی، اجتماعی، رشد هنر و فرهنگ، ظهور ادیان در این شهر و منطقه را فقط درباره بافت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی جامعه بزرگ شرق، سرزمین وسیعی که بابل جزئی از آن بود، می توان توضیح داد (رواسانی، ۱۳۷۹، ص ۱۷).

کتابخانه های بابلیان

بابلی ها ملتی علاقه مند به خط بودند. از این رو، طبعاً مجموعه های بزرگی از الواح کنده کاری شده داشتند و این امر به شهر نیپور منحصر نبود، بلکه شامل شهرهای دیگر بابل نیز می شد، مانند اروک^۷، بورسپیا^۸، کوتا^۹، و غیره و نیز شهرهایی که مراکز کتابخانه های بزرگ بودند. بنا به گفته جغرافی دانان و مورخان یونانی استرابون (امازی) دوشهر اروک و بورسپا در عصر یونانی ها وجود داشته اند (دال، ۱۳۷۹، ص ۴۳).

بابلیان موهبت بزرگی را در کتابت از سومریان به ارث بردند تا آنجا که اساتید بابل از سومریان پیشی گرفتند. در دوران شکوفایی عظیم، به ویژه در دوران حمورابی در قرن هجدهم پیش از میلاد، بابلیان به تولید نوشتاری بسیاری دست یافتند، این امر موجب شد باستان شناس آلمانی، آر. گلدوی که به حفاری در پایتخت بابل اشتغال داشت، بابلیان را «دوستان کتابت» بخواند و در حقیقت هم شمار گل نوشته های بابلی که تاکنون کشف شده است، به ششصد هزار گل نوشته در موضوعات مختلف می رسد. همان گونه که در دوران سومری رواج داشت بابلیان نیز کتابخانه های خاص گل نوشته را می نگاشتند و نسخه برداری می کردند و آنها را در کتابخانه ها یا مراکز اسناد، معابد یا کاخ های سلطنتی حفظ می کردند (استیچویچ، ۱۳۷۳، ص ۳۰).

یکی از بهترین و مهم ترین نمونه آنها کتابخانه بورسپا بود. لوحه های گلین ماده متداول خواندنی و سبک نگارش و سرشت مواد نوشتنی تا حد زیادی به همان شکل باقی ماند. مجموعه

اوضاع و احوال اقتصادی فراهم می آورد که با کشاورزی آبی تحقق یافت (بلویس، ۱۳۷۹، ص ۴۳).

از تمامی متونی که بر گل، سنگ یا دیگر مواد مناسب نگاشته شده به دست آمده، درمی یابیم که ۹۵٪ این متون به امور بازرگانی، اداری و حکومتی ارتباط دارد.

سومریان این گل نوشته ها را در اماکن خاصی از معابد یا کاخ های سلطنتی یا مدارس حفظ می کردند. کهن ترین کاتالوگ یا شناسنامه کتابخانه ای در جهان که در نیپور کشف شده است و تاریخ آن به دوران سومری (حدود ۲۰۰۰ سال ق. م) می رسد. این کاتالوگ دربردارنده ۶۲ اثر ادبی است و در موزه دانشگاهی فیلادلفیای آمریکا نگهداری می شود.

سومریان حدود هزار سال قبل از آنکه یونانیان حماسه معروف ایلیاد را به وجود آورند، حماسه گیلگمش^۵ را آفریده و آن را بر روی الواح گلی ثبت کرده بودند (Gates, 1989, P.4).

این حماسه در نسخه های فراوان و روایت های گوناگون از سومری ها به جامانده است. سومریان نخستین کسانی بودند که این افسانه را ساختند و پس از آن، بسیاری از ملل دیگر که در آن منطقه تمدنی هم سنگ سومریان داشتند، به تدوین آن پرداختند. در حقیقت، سومری ها همان کسانی بودند که کتاب را به نقشی اختصاص دادند که تا به امروز با آن در ارتباط است؛ بدین معنا که دستاوردهای فرهنگی و فن آوری انسان را پاس دارد و پاسخگوی اهداف قانونی و آموزش و دیگر نیازهای روزانه او باشد (استیچویچ، ۲۴، ۱۳۷۳-۲۹).

بابلیان

پس از سومریان به تمدن بابلیان می رسیم که فرهنگشان به بابل منتقل شد. نظریه ای عام وجود دارد که منشأ تجمع مردم بابل از اقوام حوری یا سوباری که از شمال بین النهرین و سرزمین های مجاور آن آمده بودند و یا کوچ نشینان ایلام که در آنجا مستقر شده بودند، ترتیب یافته بود. مردم ایلام در شرق بابل زندگی می کردند که سومری ها بعداً به آنجا وارد شدند (رواسانی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۰).

در سده هجدهم ق. م بابل که تا آن زمان شهری بی اهمیت بود، قدرت سیاسی فراوانی یافت و تا قرن ها آن را حفظ کرد. بسیاری از شاهان که در ایام بعدی بابل را تسخیر کردند، به خدایان و سنت های بابل احترام گذاردند و منزلت ویژه شهر را به رسمیت شناختند. شالوده فرهنگ بابل در زمان حمورابی^۶، پادشاه حموری (آموری) پی ریزی شد که در زمان سلطنت خود تقریباً تمام بین النهرین از جمله آشور را تصرف کرد. آوازه حمورابی

5. Gilgamesh
6. Hammurabi
7. Uruk
8. Brosippa
9. Kuta

کتابخانه‌های آشوریان

تا قبل از اکتشاف کتابخانه آشور بانیپال به وسیله سیاستمدار انگلیسی لایرد، بیشتر مورخان و باستان‌شناسان اطلاعات دقیقی درباره آشوریان نداشتند و اطلاعات به دست آمده از اقوام دیگر نیز آنان را قومی جنگجو، خونریز و کشورگشا معرفی می‌کرد و درباره اینکه آیا پادشاهان آشوری، به گردآوری دانش، توجه خاصی داشتند، اطلاعاتی نداشتند. برخی از مورخان بر این باورند که مهم‌ترین چیزی که نام آشور را در تاریخ تمدن جاودانه ساخته، کتابخانه‌های آنان است و تنها خصوصیت پادشاهان آشوری را در کنار خونریزی، گردآوری و استنساخ گل نوشته‌ها دانسته‌اند. از جمله کتابخانه آشور بانیپال، سی هزار لوحه طبقه‌بندی شده و فهرست وار دارد. الواحی که بر کارهای شاهان مشتمل است، گرچه از لحاظ اینکه همه آن‌ها شرح خونریزی و آدمکشی است، مایه ناراحتی و ملامت خاطر خواننده می‌شود، ولی این مزیت را دارد که قدیمی‌ترین تاریخ نوشته را پیش ما می‌گذارد. بیشتر این لوح‌ها از نسخه‌های قدیمی تری استنساخ شده است که تاریخ آنها معین نیست و پیوسته اشکال قدیمی‌تر آنها در ضمن اکتشاف به دست می‌آید که این اشکال در دستورها و نسخه‌های پزشکی و گزارش‌های سحری و سرودها و اوراد دینی و سلسله شاهان و خدایان است (دورانت، ۱۳۸۰، ص ۳۲۵). مشهورترین کتابخانه‌های آشور، کتابخانه‌های معبد‌های آشور و کالچ^{۱۰}، و اربیل^{۱۱} و نیوا بودند (دال، ۱۳۷۹، ص ۴۴).

کتابخانه آشوریانی پال

با استناد عنصر آمده، مهم‌ترین کتابخانه خاورمیانه در ابعادی گسترده‌تر شکل گرفت و این همان کتابخانه است که سلطان فرهیخته آشوری، یعنی آشور بانیپال که در سال‌های ۶۶۹ تا ۶۲۷ ق. م حکومت می‌کرد، با اهتمام خاصی آن را بنیان نهاد. در فاصله سال‌های ۱۸۴۵ تا ۱۸۵۱ و در نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی در سرزمین بین‌النهرین، سیاستمدار جوان انگلیسی، ای. اچ. لایرد این کتابخانه را در تپه کیونجیک به دست آورد و در سال ۱۸۵۰ لایرد، کاخ سلطنتی سلطان سنخاریب (۷۰۵-۶۸۱) ق. م را کشف کرد. او در این کاخ جایی را یافت که «اتاق ثبت» نامیده می‌شود.

قوانین مشهور حمورابی محصول تمدن بابلیان بود. از نوشتن، در وهله اول، برای معاملات تجاری، نگهداری رویدادنامه‌ها، حوادث، به علاوه قوانین دولتی، فرامین حکومتی و خط مشی‌های مذهبی استفاده می‌شد (موکهرجی، ۱۳۶۸، ص ۸۱).

آشوریان

آشوری‌ها مردمی بودند از نژاد سامی که با مردمان سامی نژاد دیگر در بابل زندگی می‌کردند. در ازمنه بعد آشوری‌ها مهاجرت کرده، به قسمت وسطای رود دجله و کوهستان‌های مجاور رفتند و در آنجا دولت کوچکی ساختند که به آشور موسوم شد. این اسم از رب النوعی است که پرستش می‌کردند و آسوره (آشوره) نام داشت (پیرنیا، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴).

دین آشوریان نیز در حقیقت ترکیبی از معتقدات اقوام هند و ایرانی با ادیان و تصورات دین رایج در مصر و سوریه شمالی و جنوب بین‌النهرین بود.

به نظر می‌رسد ساکنان آشور ترکیبی از اقوام مهاجر آریایی (کوتی، مبنانی، آموری) با اقوام سرزمین‌های غربی و جنوبی و ساکنان اولیه و بومی این سرزمین باشند. بنابراین، در این سرزمین «نژاد» و قوم خالص نبود و به همین سبب، فرهنگ، هنر و دین خالص نیز وجود نداشت (رواسانی، ۱۳۷۰، ص ۲۶۹، ۲۶۷).

درباره منشأ تمدن و فرهنگ آشوری بیشتر محققان به این نکته تأکید می‌کنند که فرهنگ آشور تحت تأثیر فرهنگ بابل و اکد قرار داشت.

اوج هنر آشوری در سده ۹ تا ۷ ق. م بود که اشکال آشوری از حد هنر میتانی جلوتر نمی‌رفت و در همان زمینه هنر میتانی باقی می‌ماند. هنر میتانی، خصیلت بارز هنر آشوری است. (رواسانی، ۱۳۷۰، ص ۲۷۱، ۲۶۶).

زبان آشوری‌ها همان زبان بابل بود، ولی زبان آرامی در اینجا هم بعدها غلبه یافت. خط آشوری نیز خط میخی بابل است. کتیبه‌ها و کتابت‌های زیادی از پادشاهان این مملکت مانده است، زیرا به ضبط وقایع علاقه مند بودند. آشوری‌ها، لوحه‌هایی از گل رس می‌ساختند و پس از نوشتن مطلب، آنها را در آتش پخته، سپس بعد ضبط می‌کردند. بدین ترتیب، کتاب‌ها و کتابخانه‌ها ترتیب و تشکیل می‌شد. این لوحه‌ها در موقع انهدام نینوا زیر خاک رفته، اکنون به واسطه حفاریات بیرون آمد و منبعی برای روشن کردن تاریخ عهد شد. از جمله کتابخانه معروف آشوریانی پال است که در کیونجیک پیدا شد (پیرنیا، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵).

10. Calah

11. Arbela

پس از وی، ا.ج. راسم در خلال سال‌های (۱۸۵۲-۱۸۵۴) کار او را دنبال کرد و توانست باقیمانده کاخ آشور بانیپال و کتابخانه او را که حاوی بیش از ۲۰ هزار گل نوشته بود، کشف کند.

پس از کشف این کتابخانه، برای خواندن این گل نوشته‌ها که به موزه بریتانیا در لندن منتقل شد، در میان محافل باستان‌شناس آن روزگار و علاقه‌مندان به فرهنگ‌های کهن خاورمیانه جنجالی به پا شد. مثلاً این نکته روشن شد که حاکم بزرگ آشوری آن روزگار که منابع تاریخی بسیاری از اعمال خشونت‌بار و حملات خونین او را بر همسایگان نقل می‌کنند، در همان زمان، دانشمندی بزرگ و فردی کتاب‌دوست بوده است. در حقیقت، همین سلطان، نخستین کسی بوده که به این اندیشه رسیده که تمام نوآوری‌های نسل‌های گذشته را در خاورمیانه و در زمینه علم و ادب در یک جا گردآورد. این اقدامی است که در تاریخ نظیری ندارد.

گل نوشته‌های به دست آمده در کتابخانه سلطنتی، خود، چگونگی انجام این اقدام را بیان می‌کنند. از خلال این گل نوشته‌ها آگاه می‌شویم که چگونه ارتشی کامل از نویسندگان بنا به دستور شاهانه مأمور شدند تا هر متن قدیمی به دست آمده را چندین بار نسخه برداری کنند. این نویسندگان فضل تقدّم متن اصلی را با این عبارت ثبت می‌کردند که: «این متنی است نسخه برداری شده از بلاد آشور که خاستگاه متن اصلی است» یا «بر اساس یکی از نوشته‌های بابل». این نشانه‌ها و جز آن، از تلاش و سازماندهی پرده برمی‌دارد که به وسیله آن نسخه برداری متون قدیمی در کتابخانه آشور بانیپال صورت می‌گرفته است. همچنین بسیاری از گل نوشته‌های شهرهای دیگر امپراطوری آشوری به آسانی به این کتابخانه منتقل شده است. از همین گل نوشته‌ها اکنون درمی‌یابیم که تمام یک کتابخانه خصوصی از کالچ به نینوا انتقال یافته است.

سلطان آشور بانیپال شخصاً اهتمام داشت که همه گل نوشته‌های قدیمی که در جای جای امپراطوری یافت می‌شد، یا استنساخ شود و یا به کتابخانه منتقل گردد. وی در نامه‌ای به یکی از مسئولان بابل چنین دستور می‌دهد: «در پی یافتن گل نوشته‌های ارزشمندی باشید که در بلاد آشور نسخه‌ای از آن وجود ندارد و آنها را برای من بفرستید...».

از امثال این دستورها که سلطان برای کارگزاران خود در جای جای امپراطور صادر می‌کرد، می‌توانیم به آسانی نتیجه بگیریم شیوه‌ای که سلطان برای جمع‌آوری گل نوشته‌های

مطلوب در پیش می‌گرفته شیوه‌ای ستودنی نبوده است، ولی با این حال ما باید انصاف در پیش گیریم و اعتراف کنیم که آشوربانی پال را می‌توان با بسیاری از حاکمان بعدی یا فرماندهان هوشمند نظامی مقایسه کرد. به دیگر سخن، ما می‌دانیم که بخش بزرگ‌تر کتابخانه او با نسخه برداری از گل نوشته‌های قدیم فراهم آمده است، نه از طریق غارت کتابخانه‌های دیگر.

نویسندگان که زیر نظر مسئولان آموزش دیده کاخ سلطنتی کار می‌کردند و نیز مصححان و مسئولان طبقه بندی و کارگزارانی که گل نوشته‌ها را به دقت می‌پختند و آنهایی که گل نوشته‌ها را به ترتیب روی قفسه‌ها می‌چیدند، به علاوه افراد بسیار دیگر، همگی در ایجاد بزرگ‌ترین کتابخانه شرق باستان آن هم زیر نظر کارمندان سلطنتی و بر اساس طرح شخص سلطان آشور بانی پال سهیم بوده‌اند.

در حقیقت این کتابخانه، نخستین نمونه یک کتابخانه است، همچنانکه کتابخانه اسکندریه در عصر هلنی این چنین بود که بعدها مترقی‌ترین شکل را به خود گرفت.

مسئولان سازماندهی این کتابخانه با مشکلاتی نیز روبه‌رو بوده‌اند، اگرچه این مشکلات برای نخستین بار در خاورمیانه ظهور نکرده است و افراد دیگری پیش از ایشان کوشیده‌اند تا بر این مشکلات چیره شوند، اما کارگران کتابخانه آشوربانیپال همّت بیشتری داشته‌اند، زیرا این کتابخانه بزرگ‌ترین کتابخانه آن روزگار بوده است.

پرسش درباره شیوه تنظیم گل نوشته‌ها و طبقه بندی آنها برای به دست آوردن آسان‌تر گل نوشته مورد نظر، همیشه مطرح بوده است. آنها در حل این دشواری با استناد به مهارت کسانی که پیش از ایشان بوده‌اند، این حقیقت را درک کردند و به مرتب کردن گل نوشته‌ها در مجموعه‌هایی بر حسب نظامی کاملاً مشخص پرداختند. هر گل نوشته راهنمایی داشت که به مضمون و کاتب و نظایر آن اشاره می‌کرد و در قسمت پایانی هر گل نوشته به وسیله یک قالب یا انگشتری متنی نقش بسته بود: لوح شماره ... در طبقه ... کاخ آشور بانیپال، سلطان جهانیان، سلطان بلاد آشوریان.

به نظر می‌رسد کتاب‌های این کتابخانه می‌توانست در خدمت گروه وسیعی از دانشجویان و در درجه نخست، در خدمت کسانی باشد که به کاخ سلطنتی وارد می‌شدند. وجود معاجم لغوی متعدد و کتب قواعد و نظیر آن در حد خود گویای میزان کاربرد آن است، ولی این موضوع نباید ما را به آنجا بکشاند که بپنداریم کتابخانه آشوربانی پال، کتابخانه‌ای عمومی

به مفهوم شایع روزگار ما بوده است. به دیگر سخن، هرکس توانایی آن را نداشته است که به کتابخانه مراجعه کند و از هرآنچه در این کتابخانه وجود داشته است، مورد استفاده کند.

کتابدار کتابخانه آشوریانیپال «رب جرجیناکی» نامیده می شده است که به اسم محفظه‌هایی گلین که برخی از گلین و گل نوشته‌ها در آن نگهداری می شده، منسوب است. همچنین می دانیم در این کتابخانه نظام طبقه بندی اجرا می شده و هر گل نوشته بر این اساس در قفسه‌های کتابخانه جای می گرفته است. پس از مرگ آشوریانیپال نیز نقش کتابخانه ادامه یافت تا این که در سال ۶۱۲ پیش از میلاد سلطان میدی کیازاس به ریشه کن کردن نینوا پرداخت و تجدید بنای این شهر صورت پذیرفت. به همین سبب، دانشمندان توانستند باقیمانده‌های کتابخانه آشوریانیپال را همان گونه که سربازان میدی ترك کرده بودند، کشف کنند.

تاکنون هنگام سخن درباره مجموعه لوح‌های گلی که در شهرهای خاورمیانه کشف شده است، تعبیر «کتابخانه» را به کار می بردیم، ولی اکنون وقت آن رسیده است که این تعبیر را به کار نبریم تا به تعریفی آگاهی یابیم که با این مجموعه لوح‌های گلی منطبق باشد. ما هم اکنون متون مکتوب را به نوشتارهای اسنادی (نامه‌های حاکمان و کاهنان و بازرگانان به علاوه گواهی خرید و فروش کالا و مدرک بدهکاران و سندهای فروش زمین و ...) و نوشتارهای خاص کتابخانه‌ها (متون ادبی و فرهنگ‌ها و دامپزشکی و امور قانونی و نظایر آن) تقسیم می کنیم، ولی تطبیق این تقسیم بندی بر لوح‌هایی که دربردارنده متون اداری و نظایر آن هستند، باید بگویم که جایگاه این گونه مجموعه لوح‌ها در مرکز اسناد است نه در کتابخانه‌ها. گرچه خود سومریان و دیگر ملل خاورمیانه به اموری که مورخان را برای چندین هزار سال به سردرگمی دچار خواهد کرد، اهتمام چندانی نداشته‌اند که آیا این نوشتارها به مراکز اسناد اختصاص دارند یا به کتابخانه‌ها؟ از همین جاست که همه لوح‌ها در آن روزگار، با چشم پوشی از مضمون آن، در یک مکان قرار می گرفت، ولی این از طبقه بندی موضوعی آنها مانع نمی شد.

به همین سبب، ما در بیشتر اوقات می توانیم تعبیر کتابخانه را به عنوان برابر نهاده‌ای برای مرکز اسناد به کار ببریم، یعنی کتابخانه و مرکز اسناد باهم، مگر در موقعیت‌های خاصی که مسئله به مرکز اسناد یا کتابخانه به صورتی جدای از هم مربوط باشد (استیچویچ، ۱۳۷۳، ص ۳۸-۴۵).

منابع و ماخذ:

۱. مزینانی، علی. کتابخانه و کتابداری. تهران: سمت، ۱۳۷۹، ص ۹۳، ۹۲.
۲. بلک، جرمی. «کتابخانه‌های از دست رفته بین‌النهرین باستان». ترجمه حمیدرضا جمالی مهمویی. آینه پژوهش. سال شانزدهم، شماره سوم، ص ۶-۸.
۳. تامپسون، جیمز. تاریخ اصول کتابداری. ترجمه محمود حقیقی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳، ص ۹۶، ۵۵، ۱۱۰، ۹۷.
۴. بلویس، لوکاس دو. دیباچه‌ای بر جهان باستان؛ ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: ققنوس، ۱۳۷۴، ص ۴۳، ۳۴.
۵. موکهرجی، ا.ک. تاریخ و فلسفه کتابداری؛ ترجمه اسداله آزاد. مشهد: آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۸۱-۸۲.
۶. استیچویچ، الکساندر. کتاب در پیوه تاریخ؛ ترجمه حمیدرضا آژیر و حمیدرضا شیخی. مشهد: آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۳، ص ۲۴-۴۵.
۷. لوکاس، هنری. تاریخ تمدن: از کهن‌ترین روزگار تا سده ما؛ ترجمه عبدالحسین آذرنگ. تهران: کیهان، ۱۳۶۶، ج ۱: ص ۸۱.
۸. رواسانی، شاپور. جامعه بزرگ شرق. تهران: شمع، ۱۳۷۰، ص ۲۶۹، ۲۶۷، ۱۷۰.
۹. دال، سوئد. کتاب: از کهن‌ترین دوران تا عصر حاضر؛ ترجمه محمدعلی خاکساری: مشهد، آستان قدس رضوی: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۴۳-۴۴.
۱۰. پیرنیا، حسن. تاریخ ایران باستان با حروفچینی جدید یا تاریخ مفصل ایران قدیم. تهران: افسوس، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴-۱۳۵.
۱۱. دورانت، ویلیام جیمز. تاریخ تمدن: مشرق زمین گاهواره تمدن؛ ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۰، ص ۳۲۵.

12. Gates, Jean Key. *Guide to the use of librarians and information sources*. USA:McGraw-Hill company, 1989, p4.

